



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

نمایه در SID، ISC، Noormags،
GoogleScholar، Ensani، Magiran

www.jaml.ir

سال چهارم، شماره سیزدهم،

صفحات ۱۲۰-۱۰۷

حکم فقهی چگونگی برخورد با سپر انسانی دشمنان در جنگ از دیدگاه مذاهب اسلامی

استادیار فقه و مبانی حقوق، دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی، قم، ایران

دکتر میثم جوادنیا

چکیده:

در جنگ‌ها، هر یک از طرفین جهت نیل به پیروزی، به روش‌های مختلف جنگی متوسل می‌شوند که یکی از آنها استفاده از سپر انسانی است که این سپرها می‌توانند اسرای مسلمان و یا کودکان و زنان باشند. سؤالی که اینجا مطرح می‌باشد، عبارت از این است که در صورت استفاده دشمنان از این شیوه، مسلمانان چه واکنشی در برابر این کنش باید داشته باشند؟ نظر اکثر فقهای مذاهب خمسسه این است که تا حد امکان باید جان سپرهای انسانی، حفظ شود، در غیر این صورت و در صورت ناچاری و ضرورت، هر گونه حمله و تیراندازی به سوی دشمن، باید به قصد کسانی باشد که پشت سپرهای انسانی کمین کرده‌اند نه به قصد گروگان‌ها.

واژه‌ها کلیدی: فقه، تترس، سپر انسانی، جنگ، مذاهب اسلامی، مذاهب فقهی.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

*مسئول مکاتبات: mjedalat7@gmail.com



۱- مقدمه

«جهاد فی سبیل الله»؛ عنوانی مقدس در دین اسلام است که شاید بتوان گفت مسلمانان برای انجام آن و دستیابی به وعده‌های الهی سر از پا نشناخته و گوی سبقت را از یکدیگر می‌ریابند و این مسیر، دل‌های آنان را سرمست و عاشق شهادت می‌گرداند؛ اما همین عمل بعضی از مجاهدین اسلام که هدف آنان فقط شهادت در راه خداست، سؤالی را در ذهن برخی به وجود می‌آورد که آیا رسیدن به این هدف با پیشبرد اهداف عالی الهی سازگار است؟ اهدافی که به جهان‌شمولی دین اسلام و تکامل بشریت می‌انديشد؟ البته هدف از این پژوهش، ارائه پاسخ به این پرسش نیست و بررسی آن مجال دیگری را می‌طلبد؛ اما فرض بر اینکه گفته شود که شخص مجاهد باید پیش از فکرکردن به شهادت، در راه خدا جانانه جهاد کند و همه ابزار و روش‌های لازم برای پیروزی دین مبین اسلام را به کار گیرد، آیا باز این چیزی است که خداوند از او خواسته است؟ یعنی چشم خود را به همه چیز ببندد و هدف او فقط پیروزی دینش باشد؟ آیا همه جنبه‌های انسانی و اخلاقی باید فدای این هدف شوند و به عبارتی دیگر آیا هدف، وسیله را توجیه می‌کند؟ مسأله اصلی این تحقیق در راستای همین موضوع و البته بررسی فقهی یکی از مصادیق آن است، یعنی «تترس»؛ اگر کفار و مشرکین در جنگ یا غیر آن، به استفاده از سپر انسانی متوسل شوند، نحوه برخورد با این عمل چگونه باید باشد؟ سپری که اسیران مسلمان، کودکان و یا زنان، آن را تشکیل می‌دهند. آیا مجاهدین اسلام باید چشم خود را بسته و خشک و تر را با هم سوزانده و گناهکار و بی-گناه را از دم تیغ خویش بگذرانند و همه آنان را آماج حملات خود قرار دهند؟ این تحقیق، خارج از هر گونه اقتضات اخلاقی، سیاسی، نظامی و ... به بررسی فقهی این مسأله می‌پردازد و هدفش استخراج حکم فقهی آن است، هر چند ممکن است برخی از ادله احکام، هر یک از این اقتضات مذکور نیز باشد که با شیوه و هدف تحقیق منافاتی نخواهد داشت.

۱. دیدگاه فقه در خصوص چگونگی رفتار با اسیران مسلمان که به عنوان سپر انسانی قرار گرفته‌اند.

اگر دشمنان اسلام اسرای مسلمین را در جلوی سپاه خویش قرار داده تا بتوانند با این روش به قلب سپاه اسلام ضربه بزنند، تکلیف چیست؟ آیا مجاهدین اسلام باید دست روی دست بگذارند تا دشمن به اهداف خویش برسد و یا اینکه باید بدون ملاحظه اسرا، با دشمن قتال کنند تا مانع پیشروی آنها شوند، هر چند این کار باعث کشته-

شدن سپرهای انسانی شود؟ اقوال فقهای مذاهب خمس به شرح ذیل می‌باشد:

دیدگاه مذهب امامیه

اقوال فقهای مذهب امامیه در این خصوص به شرح ذیل است:

- اگر کفار مسلمانی را سپر خود قرار دهند، در صورتی که جنگی برپا نباشد، تیراندازی به سمتشان جایز نیست، همچنین است اگر امکان قدرت بر آنان وجود داشته باشد یا اینکه مسلمانان از شر آنان در امان باشند. ولی اگر این فعل آنان در حال برپا بودن جنگ باشد، رمی آنها جایز است ولی باید هدف تیرها مشرکین باشند نه مسلمانان؛ و این بخاطر ضرورتی است که اگر ترک شوند، ترس از آنان وجود خواهد داشت، ولی اگر ترسی نباشد، لکن بدون تیراندازی دستیابی به آنان ممکن نباشد، اولی جواز رمی است، چون ترکشان به تعطیل شدن امر جهاد منجر می‌گردد. (حلی، تذکره الفقهاء، ۱۳۷۲ش: ۷۰ و ۶۹/۹، مسأله ۳۵).

دلیل این نوع از احکام نیز روایت حفص بن غیاث است: «قال: سألت أبا عبد الله عن مدينة من مدائن الحرب، هل يجوز أن يرسل عليها الماء أو تحرق بالنار أو ترمي بالمنجنیق حتى يقتلوا و منهم النساء والصبيان والشيخ الكبير و الأسارى من المسلمین و التجار؟ فقال: "يفعل ذلك بهم ، و لايمسك عنهم لهؤلاء، و لا دیة علیهم للمسلمین و لا كفارة». (خراسانی، منهاج الصالحین، بی‌تا: ۴۱۸/۲ و ۴۱۹، حرمة الفرار من الزحف، مسأله ۱۷).

- اگر کفار، مسلمانان را سپر قرار دهند، تا جایی که ممکن است باید از آنها اجتناب کرد. (عاملی، اللمعة الدمشقیة، بی‌تا: جزء ۱۲، کتاب الجهاد، ص ۱).

- اگر کفار مسلمانان را سپر قرار دهند و جنگی نیز در بین نباشد، تیراندازی به سوی آنان جایز نیست؛ ولی اگر این کار را در حال جنگ انجام دهند، تیراندازی به سوی آنان و با قصد مشرکان جایز است و باید جان مسلمانان حفظ شود. زیرا در صورت منع از تیراندازی، بطلان جهاد لازم می‌آید (طوسی، المبسوط، ۱۳۸۷ق: ۱۱۰/۲، کتاب الجهاد).

- اگر کفار مسلمانان را به عنوان سپر قرار دهند و پیروزی بر کفار جز با کشتن آنان میسر نباشد، به قتل‌رساندنشان جایز است (حسینی، فقه الصادق، ۱۴۱۲ق: ۱۰۳/۱۵؛ حلی، المختصر، ۱۴۱۰ق: ۱۲۹؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ۱۴۱۲ق: ۲۷/۷؛ فاضل الآبی، کشف الرموز، بی‌تا: ۴۲۴/۱؛ خراسانی، منهاج الصالحین، همان).



مواردی نیز خارج از این اصل می‌باشد که تیراندازی به سوی سپرهای انسانی مسلمان را جایز می‌شمرد:

- برپا بودن جنگ میان مسلمانان و کفار و تیراندازی به قصد دشمنان؛

- عدم امکان قدرت بر دستیابی به دشمن بدون تیراندازی به سمت سپرهای انسانی؛

- در امان نبودن از شر دشمنان، در صورت رها کردن آنان؛

- عدم امکان حفظ جان سپرهای انسانی مسلمان.

دیدگاه مذهب حنفیه

فقه‌های حنفی در مسأله مورد بحث دو دسته شده‌اند: دسته اول، کسانی هستند که اعتقاد دارند کشتن مسلمانانی که به عنوان سپر انسانی توسط دشمن مورد استفاده قرار گرفته‌اند، جایز است، به شرطی که هدف تیرها، کفار باشند نه مسلمانان (حداد، الجوهر النیره، ۱۳۲۲ق: ۲۵۸/۲، علی من یجب الجهاد؛ شیبانی، السیر، ۱۹۷۵م: ۱۱۷؛ بابر تی، العنایه، بی‌تا: ۴۴۸/۵ و ۴۷۴، باب کیفیة القتال و باب الغنائم و قسمتها؛ میدانی، اللباب، بی‌تا: ۱۱۸/۴، کتاب السیر؛ مرغینانی، الهدایه، بی‌تا: ۳۸۰/۲، باب کیفیة القتال؛ همو، متن بدایه المبتدی، بی‌تا: ۱۱۵؛ کاسانی، بدائع الصنائع، ۱۴۰۶ق: ۱۰۱/۷، فصل فی بیان ما یجب علی الغزاة الافتتاح به حاله الوقعۀ و لقاء العدو؛ سمرقندی، تحفه الفقهاء، ۱۴۱۴ق: ۲۹۵/۳؛ قدوری، مختصر، ۱۴۱۸ق: ۲۳۱؛ شیبانی، الأصل، ۱۴۱۳ق: ۴۵۵/۷). دسته دوم به صورت مطلق در آثار خود آورده‌اند که قتال با کافرانی که مسلمانان را سپر قرار داده‌اند، جایز است، و اشاره‌ای به این مطلب نکرده‌اند که هدف از قتال آنان مشرکان باید باشند نه سپرهای انسانی (غزنوی، الغرة المنیفة، ۱۴۰۶ق: ۹۹؛ منبجی، اللباب، ۱۴۱۴ق: ۷۸/۱، کتاب الطهارة).

ابن نجیم از فقه‌های حنفی معتقد است که اگر کفار، مسلمانان را به عنوان سپر انسانی قرار دهند و لشکر مسلمانان نیز در اثر تیراندازی باعث کشته شدن مسلمانان شدند، دو صورت دارد: اگر قصد مسلمانان از تیراندازی کشتن کفار باشد، حرامی مرتکب نشده‌اند، ولی اگر قصد آنان از همان ابتدا کشتن مسلمانان پیش‌مرگ قرار داده شده باشد، مرتکب فعل حرام شده‌اند. [ابن نجیم، الأشباه و النظائر، ۱۴۰۰ق: ۲۸]. شایان ذکر است که دلیل این دو حکم، قاعده فقهی «الأمر بمقاصدها» ذکر شده است.

- اگر جنگ برپا باشد و کفار، اسرای مسلمین را به عنوان سپر انسانی قرار دهند، رمی آنان به قصد کفار جایز است (طوسی، الوسیلة إلى نیل الفضیلة، بی‌تا: جزء ۷۳، فصل فی بیان أقسام الکفار و من یجوز قتاله، و بیان القتال، ص ۲۰۱).

- اگر کفار اسیران مسلمان را به عنوان سپر در جلوی خود قرار دهند، در صورت دستیابی به دشمن بدون کشتن سپرها، از آنان خودداری می‌شود؛ مگر اینکه دو سپاه اسلام و کفر در حال جنگ باشند که در این صورت حمله به کفار جایز است حتی اگر موجب کشته شدن سپرهای انسانی گردد، خصوصاً زمانی که ترس آن باشد که با ترک آنان، دشمن بر مسلمانان چیره شود (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۹۲ق: ۶۸/۲۱).

- اگر کفار اسیران مسلمان را سپر خویش قرار دهند، از آنان خودداری می‌شود، مگر اینکه در حال جنگ این کار را انجام دهند (حلی، شرائع الإسلام، ۱۴۰۹ق: ۳۹۹۱/۱، الطرف الثانی فی کیفیة قتال أهل الحرب).

- اگر کفار در حال جنگ، مسلمانان را سپر قرار دهند، در این صورت به قتل رساندنشان جایز است؛ ولی اگر در غیر جنگ و فقط برای دفاع از خویش و احتمال اینکه با این کار مسلمانان با آنان کاری نخواهند داشت، این کار را انجام دهند، اقرب این است که تیراندازی فقط به سوی سپر انسانی غیر مسلمان جایز است (حلی، قواعد الأحکام، ۱۴۱۳ق: ۴۸۶/۱).

- اگر کفار، مسلمانان را سپر خویش قرار دهند و امکان حفظ جان آنان نیز وجود نداشته باشد، در این صورت به قتل رساندن آنها جایز است [آردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، بی‌تا: ۴۵۳/۸].

طبق نظر فقه‌های امامیه، اصلی به دست می‌آید و آن عبارت از این است که «تا حد امکان باید از به قتل رساندن سپرهای انسانی مسلمان اجتناب گردد». (اصل عدم جواز تیراندازی به سوی سپرهای انسانی مسلمان و کشتن آنان) که با رعایت شروط ذیل محقق می‌گردد:

- جنگی میان مسلمانان و کفار در کار نباشد؛

- قدرت بر دستیابی به دشمن بدون تیراندازی به سوی سپرهای انسانی مسلمان ممکن باشد؛

- در صورت رها کردن دشمن، مسلمانان از شر آنان در امان باشند؛

- امکان حفظ جان سپرهای انسانی مسلمان در صورت حمله به

دشمن وجود داشته باشد.



دلیل: مصلحت مرسله، حفظ جان عموم مسلمانان است که با از میان برداشتن سپر انسانی و سپس شکست دشمن حاصل می‌شود. [شنقیطی، همان].

دیدگاه مذهب شافعیه

امام شافعی معتقد است که اگر شخص مشرک در برابر شخص مسلمان، کسی را به عنوان سپر (گروگان) قرار دهد و شخص مسلمان برای نجات جان خویش چاره‌ای جز ضربه زدن نداشته باشد، به شرط اینکه هدفش شخص مشرک باشد، می‌تواند به سوی او ضربه بزند، اگرچه باعث کشته شدن شخص مسلمان شود. (شافعی، الأم، ۱۴۰۰ق: ۴/۲۶۰).

اقوال دیگری از فقهای این مذهب در خصوص این مسأله ذکر شده است که به ترتیب ذیل می‌باشد:

- اگر مشرکین حتی یک نفر مسلمان را به عنوان سپر در جلوی خویش قرار دهند و برای جنگ با آنان ضرورتی وجود نداشته باشد، واجب است که مقاتله ترک گردد، ولی اگر ضرورت حکم کند که با آنان قتال صورت گیرد، بنا بر قول أصحاب، رمی آنان جایز است. [زهري، السراج الوهاج، بی تا: ۵۴۳، کتاب النفقات؛ هیتمی، تحفه المحتاج، ۱۳۵۷ق: ۸/۳۹۶، فی شروط القود؛ شروانی، حواشی، بی تا: ۳۹۷/۸].

- اگر مشرکان، اسرای مسلمین را در جلوی سپاه خویش قرار دهند، گفته شده است که اگر در حال جنگ باشند، رمی آنان جایز است و اگر در حال جنگ نباشند، جایز نیست. [نوو، المجموع، بی تا: ۲۹۶/۱۹، کتاب السیر].

- اگر شخص کافر، مسلمانی را به عنوان گروگان بگیرد، حمله به سوی شخص گروگان جایز نیست، حتی اگر شخص مسلمان بر جان خود بیمناک باشد، چون نهایت امر این است که وی شبیه مکره است و حق ندارد برای حفظ جان خویش، مسلمانی را به قتل برساند. اما اگر کفار، اسرای مسلمان را جلوی سپاه خویش قرار دهند، و ترک مقاتله سبب شود که سپاه مسلمین قتل عام گردند، اینجا به دلیل حفظ جان اکثر مسلمین، حمله به سپاه مشرکان با قصد سیرهای انسانی، جایز است و جزئیات (امور جزئی و کوچک) نسبت به کلیات (امور بزرگ و مهم) نادیده گرفته می‌شوند. ولی قول دیگری در اینجا موجود است که حتی در این صورت هم کشتن مسلمانان به گروگان گرفته شده و استفاده شده به عنوان سپر

علل جواز تیراندازی به سوی دشمنان در چنین مواردی، عبارت است از:

۱. غیظ بر کفار و سرکوبی آنان؛ [موصلی، الإختیار، ۱۴۲۶ق: ۱۲۷/۴، کتاب السیر].

۲. فعل پیامبر صلی الله علیه و آله: آن حضرت صلی الله علیه و آله اهل طائف را محاصره کرده و با منجنیق، آنان را مورد حمله قرار دادند، با اینکه در میان آنان مسلمانانی به عنوان اسیر، تاجر و حتی کودکان مسلمانان حضور داشتند. [همان].

۳. دفع ضرر عام (نابودی اسلام) با تحمل ضرر خاص (کشته شدن یک مسلمان). (ابن نجیم، البحر الرائق، بی تا: ۸۲/۵، کتاب السیر؛ عینی، منحة السلوک، ۱۴۲۸ق: ۳۳۸؛ ابن نجیم، النهر الفائق، ۱۴۲۲ق: ۳/۲۰۴، کتاب الجهاد).

۴. عدم قتال با آنان سبب می‌شود که این کار (تترس به مسلمین) را وسیله‌ای برای ابطال ماهیت جنگ و جهاد مسلمانان علیه خودشان قرار دهند (میدانی، همان) و این کار منجر به سد باب قتال می‌گردد. (سرخسی، المبسوط، ۱۴۱۴ق: ۱۰/۶۵، باب بیع السبی من أهل الذمة).

۷. ضرورت اقامه فرض (قتال). (کاسانی، بدائع الصنائع، همان؛ سمرقندی، همان).

۸. امر به قتال، مطلق است و اگر چیزی به عنوان مانع مطرح گردد، موجب انسداد باب قتال نخواهد شد. (ابن نجیم، النهر الفائق، همان).

با جمع میان دو دسته مذکور، می‌توان چنین گفت که طبق عقیده فقهای مذهب حنفی، قتال با مشرکانی که مسلمانان را به عنوان سپر خویش قرار داده‌اند جایز است؛ البته باید هرگونه تیراندازی و ضربه به قصد کفار باشد نه مسلمانان.

دیدگاه مذهب مالکیه

فقهای مالکی در خصوص واکنش مجاهدین اسلام در مقابل سپر انسانی قراردادن مسلمانان توسط دشمنان، چنین گفته‌اند: «برای دستیابی به دشمن، از میان برداشتن سپر انسانی جایز است». [شنقیطی، إیصال السالک، ۲۰۰۵م: ۲۹؛ قرافی، الذخیره، بی تا: ۱۵۰/۱، باب مصلحة المرسله؛ صاوی، بلغة السالک، ۱۴۱۵ق: ۲/۱۸۰؛ زرقانی، شرح الزرقانی، ۱۴۲۲ق: ۳/۲۰۰، باب الجهاد].



- ترک فتح قلعه‌ای که قدرت بر فتح آن وجود داشته باشد بهتر از قتل مؤمن به طور ناحق می‌باشد (سلمان، الأسئلة و الأجوبة الفقهية، بی تا: ۱۰۷/۳، س ۳۷؛ مرداوی، الإنصاف، ۱۴۱۹ق: ۹۴/۴ و ۱۲۹؛ مقدسی، الشرح الكبير، بی تا: ۴۰۲/۱۰؛ ابن مفلح، المبدع، ۱۴۲۳ق: ۲۴۰/۳، کتاب الجهاد؛ مقدسی، المغنی، ۱۳۸۸ق: ۲۸۸/۹؛ رحیبانی، مطالب، ۱۴۱۵ق: ۵۱۹ و ۵۱۸/۲، فصل فرار المسلمین من کفار بعد اللقاء).

- اگر کفار مسلمانی را به عنوان سپر انسانی قرار دهند و رمی آنان برای مسلمان‌ها ضرورتی نداشته باشد (به دلیل در جریان نبودن جنگ یا امکان دستیابی به آنان بدون تیراندازی و یا در امان بودن از شر آنان)، در این صورت رمیشان جایز نیست، ولی در صورت اقتضای ضرورت و خوف بر جان دیگر مسلمانان، تیراندازی به سویشان جایز است، به دلیل حال ضرورت و البته تیراندازی به قصد کفار نه سپر انسانی مسلمان (مقدسی، المغنی، همان؛ تمیمی، مختصر، بی تا: ۳۶۵).

- اگر مشرکین اسرای مسلمان را به عنوان سپر انسانی قرار دهند، رمی آنان جایز نیست به دلیل حرمت و عصمت خون مسلمانان، مگر اینکه مصلحت ظاهره‌ای مترتب بر آن باشد و عدم رمی کفار دارای مفسده ظاهره‌ای باشد و خوف از قتل عام مسلمانان وجود داشته باشد. بنابراین در صورت وجود مفسده بزرگ تر، همانا مفسده کوچک (کشتن اسرای مسلمین) با وجود آن مفسده بزرگ (قتل عام جمیع مسلمانان) از هم متلاشی و از بین می‌رود (حمد، شرح زاد المستقنع، بی تا: ۳۱/۱۲، کتاب الجهاد).

با نظر به دیدگاه‌های فقهای مختلف این مذهب، به دست می‌آید که فقط در حال ضرورت (مانند خوف از کشته شدن دیگر مسلمانان به دست دشمن و ...) می‌توان به سوی سپرهای انسانی مسلمان تیراندازی کرد، آن هم به شرط اینکه هدف تیراندازان، دشمن باشد نه مسلمانان.

۲. سپر انسانی قراردادن کودکان یا زنان توسط دشمنان

یکی از موارد تترس کافران و مشرکان در مقابله با مسلمانان، کودکان و زنان هستند. در اینکه آیا اگر این گروه از انسان‌ها، توسط دشمنان به عنوان سپر انسانی قرار گیرند، تکلیف چیست؟ نظر فقهای مذاهب مختلف در ادامه بررسی می‌شود:

انسانی را جایز نمی‌دانند (غزالی، الوسیط، ۱۴۱۷ق: ۲۳/۷، باب النظر الأول فی معاملاتهم بالقتل).

- اگر ضرورتی برای کشتن سپرهای انسانی وجود نداشته باشد، باید آنها را ترک کرد و گرنه بنا بر قول اصح رمی آنان جایز است (نووی، منهج الطالبین، ۱۴۲۵ق: ۳۰۸، کتاب السیر؛ رملی، نهایة المحتاج، ۱۴۰۴ق: ۶۵/۸).

با نظر به دیدگاه‌های ذکر شده‌ی فقهای این مذهب، به دست می‌آید که فقط در حال ضرورت، مانند جنگ، در خطر بودن جان اکثر مسلمین و ... کشته شدن سپرهای انسانی در اثر تیراندازی مسلمانان معصیت و حرام نیست، البته اگر به قصد کشتن کفار و مشرکین باشد نه به قصد کشتن آنان.

دیدگاه مذهب حنبلیه

اقوال فقهای مختلف این مذهب در خصوص این مسأله، به ترتیب ذیل می‌باشد:

- اگر کفار، مسلمانان را به عنوان سپر انسانی قرار دهند، تیراندازی به سوی آنان جایز نیست؛ چون منجر به قتل مسلمانان می‌شود. مگر در حال ضرورت که در این صورت نیز نباید به قصد مسلمانان تیر پرتاب شود، بلکه باید کفار هدف قرار گیرند، اکلودانی، الهدایة، ۱۴۲۵ق: ۲۰۹، باب ما یلزم الإمام و ما یجوز له فعله؛ بعلی، کشف المخدرات، ۱۴۲۳ق: ۳۴۶/۱، کتاب الجهاد؛ ابن النجار، منتهی الإزادات، ۱۴۱۹ق: ۲۰۸/۲، کتاب الجهاد؛ خلوتی، حاشیة الخلوتی، ۱۴۳۲ق: ۴۶۲/۲. چون آنان هستند که مقصود بالذاتند. حال اگر ضرورتی وجود نداشته باشد و غلبه بر آنان فقط با تیراندازی ممکن باشد، این کار جایز نیست به دلیل قول خداوند که فرموده است: «وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطْلُوهُمْ فُتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ»^۱ (فتح/۲۵) (بهوتی، دقائق، ۱۴۱۴ق: ۶۲۴/۱، باب یجوز تبییت الکفار و قتلهم و هم غارون).

۱. «و اگر مردان مؤمن و زنان مؤمنه‌ای که شما اکنون نمی‌شناسید (در مکه) وجود نداشتند که اگر حمله کنید آنها را ندانسته پامال هلاک می‌سازید پس دیه و غرامت خون آن مؤمنان به گردن شما می‌ماند (اگر این قضیه نبود به شما اجازه حمله به مکه داده می‌شد و لیکن این اجازه به تأخیر افتاد)».



دیدگاه مذهب امامیه

اقوال مختلف فقهای مذهب امامیه به شرح ذیل است:

- اگر کودکان به عنوان سپر انسانی قرار بگیرند، جایز است که به قصد کفار، تیراندازی شود (حلی، الجامع للشرائع، ۱۴۰۵ق: ۲۴۳/۱، أحكام القتال).

- به قتل رساندن دیوانگان، زنان و کودکان (در صورتی که دشمنان، آنان را به عنوان سپر قرار دهند و فتح و پیروزی متوقف بر کشتن آنها باشد) جایز است. [آردبیلی، همان؛ حلی، المهدب، بی تا: ۳۰۹/۲، کتاب الجهاد؛ عاملی، الروضة البهیة، بی تا: ۷۷/۲، تقدیر الجزیة؛ حلی، المختصر، همان].

- اگر ترس به کودکان و زنان در حال شعله ور بودن آتش جنگ باشد، رمی دشمنان بدون قصد اطفال و زنان، جایز است (حلی، إرشاد الأذهان، بی تا: ۱، کتاب الجهاد، جزء ۶۶، المقصد الثانی فی کیفیة). (البته باید کسانی که پشت آنان پنهان شده اند، هدف قرار داده شوند)؛ زیرا اگر چنین نباشد، به از بین رفتن انجام جهاد در میان مسلمانان منجر می شود. ولی اگر این کار در حال شعله ور بودن آتش جنگ صورت نگیرد، هر چند رمی آنان جایز است، ولی اولی و بهتر این است که از تیراندازی اجتناب گردد (طوسی، الوسيلة، همان، ص ۱۰؛ حلی، تحریر الأحکام، ۱۴۲۰ق: ۱۲۷/۳).

- اگر کفار به زنان و کودکان ترس کنند، در صورت ضرورت (به اینکه جنگ برپا باشد و ترسیده شود که اگر دست از قتال با کفار بکشند، بر مسلمانان پیروز می شوند) کشتن آنان جایز است؛ البته نباید کشتن سپرهای انسانی هدف باشد و همچنین به دلیل وجود این سپرهای انسانی نباید از جنگ با کفار خودداری کرد.

ادله:

۱. وقتی از امام صادق علیه السلام از قتال با کفار پرسیده شد، وقتی که میان آنان زنان، کودکان، سالمندان و اسرای مسلمین وجود داشته باشد، آن حضرت فرمودند که به دلیل وجود این افراد، نباید از جنگ با کفار دست کشید.

۲. ترک جنگ به دلیل استفاده دشمن از سپرهای انسانی، به تعطیلی امر جهاد منجر می شود و باید به قتال با آنان ادامه داد تا این کار را بهانه و وسیله ای همیشگی برای خود در برابر مسلمانان قرار ندهند.

ولی اگر ضرورتی برای قتل سپرهای انسانی وجود نداشته باشد، به اینکه کفار، آنان را برای دفاع از خود در حالی که جنگی برقرار

نیست، قرار دهند، و یا اینکه داخل قلعه ای مستقر باشند یا اینکه پشت خندقی باشند، در حالی که از قتال خودداری می کنند، اقرب این است که کشتن آنان مکروه است، به دلیل نهی از قتل زنان و کودکان؛ و این در حالی است که مسلمانان از کشتن آنان بی نیاز هستند. قول دیگری نیز در این صورت وجود دارد که به منع کشتن سپرهای انسانی قائل هستند که البته این قول نیکو نیست، زیرا نصب منجیق و تیراندازی به قلعه ها جایز است، اگر چه به زنان و کودکان اصابت کند (حلی، تذکره الفقهاء، همان، صص ۶۸ و ۶۹).

- اگر حفظ جان آنان و خودداری از قتلشان ممکن نباشد، کشتن آنها جایز است. [آردبیلی، همان؛ حلی، إرشاد الأذهان، همان].

- اگر کفار زنان یا کودکان را در حال جنگ سپر قرار دهند، تیراندازی به سوی آنها جایز است؛ حتی اگر این فعل آنان در غیر جنگ باشد، اقرب جواز رمی آنهاست (کرکی، جامع المقاصد، ۱۴۰۸ق: ۳۸۵/۳).

- اگر کفار زنان، کودکانشان را و کسانی را که قتلشان جایز نیست مانند دیوانگان، به عنوان سپر در جلوی خود قرار دهند، در صورت دستیابی به دشمن بدون کشتن سپرها، از آنان خودداری می شود؛ مگر اینکه دو سپاه اسلام و کفر در حال جنگ باشند که در این صورت حمله به کفار جایز است حتی اگر موجب کشته شدن سپرهای انسانی گردد، خصوصا زمانی که ترس آن باشد که با ترک آنان، دشمن بر مسلمانان چیره شود. [انجفی، همان].

- اگر کفار کودکان، دیوانگان و زنان را سپر خود قرار دهند و فتح و پیروزی بدون به قتل رساندن آنان ممکن نباشد، جایز است که به سمتشان و به قصد کفار که در پشت آنان کمین کرده اند، تیراندازی شود و اختلافی نیست که به خاطر استفاده دشمن از سپرهای انسانی نباید از جنگ خودداری کرد، به دلیل نصی که دلالت دارد بر اینکه جنگ با هر وسیله ای که به وسیله آن امید پیروزی بر دشمن می رود، جایز است (حلی، شرائع الإسلام، همان؛ طباطبایی، ریاض المسائل، همان، ص ۵۰۵).

- اگر کفار زنان و کودکان خویش را سپر قرار دهند، از آنان خودداری می شود، مگر اینکه در حال جنگ این کار را انجام دهند (عاملی، مسالک الأفهام، ۱۴۱۳ق: ۲۵/۴).

- اگر کفار کودکان و زنان را سپر قرار دهند، به طوری که پیروزی مسلمانان بدون کشتن آنها میسر نباشد، جایز است که به قتل برسند (حسینی، همان؛ فاضل الآبی، همان).



قرافی، الذخیره، همان؛ دسوقی، حاشیة الدسوقی، بی تا: ۱۷۸/۲، باب الجهاد و ۲۹۹/۴، باب ذکر فیہ البغی و ما یتعلق به؛ ابن جزی، القوانين الفقهیة، بی تا: ۹۸؛ علیش، منح الجلیل، ۱۴۰۹ق: ۱۵۰/۳، باب الجهاد؛ مالکی، مختصر خلیل، ۱۴۲۶ق: ۸۸؛ خرسی، شرح مختصر خلیل، بی تا: ۱۱۴/۳، باب أحكام الجهاد؛ خطاب، مواهب الجلیل، ۱۴۲۳ق: ۵۴۵/۴؛ دمیری، الشامل، ۱۴۲۹ق: ۶۰۱/۱، باب الجهاد؛ زرقانی، همان؛ ابن شاس، عقد الجواهر، ۱۴۲۳ق: ۳۱۸/۱، فی کیفیة الجهاد؛ ابن غازی، شفاء الغلیل، ۱۴۲۹ق: ۴۰۷/۱، باب الجهاد؛ کشناوی، أسهل المدارک، بی تا: ۵/۲.

دیدگاه مذهب شافعیه

امام شافعی اعتقاد دارد تا جایی که ممکن است نباید کودکان مسلمان یا غیرمسلمان را که به عنوان سپر انسانی قرار گرفته‌اند به قتل رساند و اگر آتش جنگ شعله‌ور باشد، بهتر است که انسان با مشرکان غیر متترس به مقاتله بپردازد؛ مگر اینکه مشرکان متترس به مسلمانان حمله کنند که در این صورت چاره‌ای جز دفاع در برابر آنان وجود ندارد (شافعی، الأم، بی تا: ۳۰۶/۴).

فتوای دیگر فقهای این مذهب به عبارت ذیل است:

- تا ضرورتی نباشد، نباید به کشتن کودکان یا زنان مسلمانی که به عنوان سپر انسانی قرار گرفته‌اند، اقدام کرد، چون این کار منهی عنه است؛ ولی اگر ضرورت ایجاب کند، مانند اینکه دشمنان این کار را وسیله‌ای برای تعطیل جهاد مسلمانان و حیل‌های جهت ابقاء قلعه‌های خویش قرار دهند، و یا اینکه خوف این وجود داشته باشد که دشمنان با این حربه به پیروزی برسند و یا اینکه ضرری به مسلمانان برسانند، در این صورت کشتن آنان جایز است (سنیکی، أسنی المطالب، بی تا: ۱۹۱/۴؛ عمرانی، البیان، ۱۴۲۱ق: ۴۵۰/۱۱؛ زهری، همان؛ سنیکی، الغرر البهیة، بی تا: ۱۲۴/۵، باب السیر؛ بجیرمی، التجرید، ۱۳۶۹ق: ۲۵۴/۴، فصل فی أحكام تتعلق بالغزو؛ جمل، حاشیة الجمل، بی تا: ۱۹۴/۵، فصل فیما یکره من الغزو و من یکره أو یحرم؛ قلیوبی و عمیره، حاشیتا قلیوبی و عمیره، ۱۴۱۵ق: ۲۲۰/۴، باب حکم المبارزة؛ نووی، روضة الطالبین، ۱۴۱۲ق: ۲۴۴/۱۰؛ أنصاری، فتح الوهاب، ۱۴۱۸ق: ۳۰۰/۲؛ شربینی، مغنی المحتاج، ۱۴۱۵ق: ۳۱/۶، فصل فیما یکره من الغزو و من یحرم؛ رافعی، العزیز، ۱۴۱۷ق: ۳۹۷/۱۱) البته برخی نیز بر این امر تأکید کرده‌اند که هدف مسلمانان باید شخص متترس باشد نه متترس به (عمرانی، همان).

- اگر کفار در حال جنگ، زنان و کودکان را سپر قرار دهند، در این صورت به قتل رساندنشان جایز است؛ ولی اگر در غیر جنگ و فقط برای دفاع از خویش و احتمال اینکه با این کار مسلمانان با آنان کاری نخواهند داشت، این کار را انجام دهند، اقرب این است که تیراندازی فقط به سوی سپر انسانی غیر مسلمان جایز است (حلی، قواعد الأحکام، همان).

- اگر زنان توسط مشرکین به عنوان سپر قرار داده شوند و چاره‌ای وجود نداشته باشد، به قتل رساندن آنان واجب است (همو، نزهة الناظر، ۱۳۹۴ق: ۹۱، فصل مواضع یجب فیها قتل المرأة).

از ظاهر فتاوی ذکرشده به دست می‌آید که اکثر فقهای این مذهب اتفاق دارند بر اینکه در حال ضرورت (مانند جنگ - آن هم در صورت توقف پیروزی مسلمانان بر از میان برداشتن سپرهای انسانی - و خوف بر جان دیگر مسلمانان) تیراندازی به سوی زنان و کودکان و البته به قصد کفار و مشرکین جایز است.

دیدگاه مذهب حنفیه

بیشتر فقهای این مذهب با استناد به قاعده فقهی «يَتَخَمَلُ الضَّرَرُ الْخَاصُّ؛ لِأَجْلِ دَفْعِ ضَرَرِ الْعَامِّ» چنین گفته‌اند که حتی اگر کفار کودکان مسلمان را به عنوان سپر انسانی قرار داده باشد، می‌توان به سوی آنان (دشمنان) تیراندازی کرد (ابن نجیم، الأشباه و النظائر، ۱۴۰۰ق: ۸۷؛ بابتی، العنایة، بی تا: ۳۲۱/۱۰، فصل فی الحائظ المائل؛ زیلعی، تبیین الحقائق، ۱۳۱۳ق: ۱۴۷/۶، فصل فی الحائظ المائل؛ سمرقندی، همان؛ قدوری، همان؛ شیبانی، الأصل، ۷/همان).

می‌توان گفت که با توجه به قاعده مذکور به عنوان دلیل و طرح بحث ضرر عام و ضرر خاص، ظاهر این است که در حال ضرورت و در صورت وجود ضرر مانند خوف بر جان دیگر مسلمانان و شکست آنان در برابر دشمن و ... تیراندازی به سوی سپرهای انسانی جایز است، وگرنه در غیر حال ضرورت و عدم وجود ضرر، چنین عملی جایز نیست.

دیدگاه مذهب مالکیه

از بیشتر علمای مالکی مذهب نقل شده است که گفته‌اند اگر دشمنان به وسیله کودکان مسلمانان ترس کردند، تیراندازی به سمت آنان جایز نیست مگر اینکه خوف بر جان اکثر مسلمانان وجود داشته باشد. (أمواق، التاج و الإکلیل، ۱۳۹۸ق: ۳۵۱/۳، کتاب الجهاد؛



قول اول: از قتل با آنان خودداری می‌شود.

قول دوم: با مشرکان به قصد قتل با خودشان (نه با کودکان) مقاتله می‌شود. [ابن المحاملی، اللباب، ۱۴۱۶ق: ۳۷۵، کتاب السیر].

- اگر عمل تترس به اطفال و زنان، در حال جنگ باشد، رمی آنان جایز است، چون لازمه ترک رمی آنان، تعطیل امر جهاد و وسیله‌ای جهت پیروزی مشرکان بر مسلمانان است. ولی چنانچه عمل تترس به آنان در غیر حال جنگ باشد، دو قول در اینجا وجود دارد:

قول اول: جواز تیراندازی به سوی آنان؛ چون در غیر این صورت، مسأله تعطیل جهاد پیش می‌آید.

قول دوم: عدم جواز تیراندازی به سوی آنان؛ چون در غیر این صورت بدون هیچ ضرورتی کودکان و زنان مشرکین به قتل می‌رسند که مورد نهی می‌باشد (نووی، المجموع، همان؛ شیرازی، المهذب، بی‌تا: ۲۷۸/۳).

- اگر کفار به کودکان و زنان تترس کرده و با مسلمانان مقاتله کنند، با آنان مبارزه می‌شود هر چند که سپرهای انسانی آسیب ببینند. ولی اگر برای دفاع از خویش این کار را انجام دهند، دو قول وجود دارد:

قول اول: جواز قصدکردن سپرهای انسانی.

قول دوم: عدم جواز حمله به سپرهای انسانی که این دسته نیز بر دو قسم هستند: دسته اول قائل به کراهت و دسته دوم قائل به تحریم می‌باشند.

حال اگر کفار، این عمل را در قلعه‌های خویش انجام دهند، برخی معتقدند که کودکان و زنانشان که سپر قرار داده شده‌اند نیز مورد حمله قرار می‌گیرند، اگرچه فتح قلعه بدون کشتن آنان ممکن باشد؛ و این به خاطر زجر دادن آنان است به دلیل تمسک به این حيله. اگر فتح قلعه بدون از میان برداشتن آنان ممکن نباشد، در جواز این کار نیز دو قول وجود دارد: جواز حمله و عدم جواز حمله به آنان (غزالی، همان/۲۲).

- اگر سپرهای انسانی از کودکان کفار باشند، قتل آنان جایز است، ولی اگر از اولاد مسلمین باشند، قتلشان جایز نیست (منهاجی، جواهر العقود، ۱۴۱۷ق: ۲۲۷/۲).

با دقت در دیدگاه‌های فقهای این مذهب، می‌توان تفصیل ذیل را ارائه داد:

- اگر آنان عمل تترس به کودکان و زنان را فقط برای دفاع از خویش انجام دهند و ضرورتی برای قتل با آنان وجود نداشته باشد، کشتن کودکان و زنان جایز نیست، چون در دین اسلام، از انجام چنین کاری نهی شده است (سنیکی، همان؛ رملی، همان).

- اگر کودکان و زنان به عنوان سپر انسانی از طرف دشمنان به کار گرفته شوند، نباید مقاتله با آنان را ترک کرد (شیرازی، التنبیه، بی‌تا: ۲۳۲، باب قتال المشرکین).

- اگر مشرکین با علم به اینکه در شرع ما از کشتن عمدی کودکان در جنگ نهی شده است، کودکان را به عنوان سپر انسانی قرار دهند، دو حالت دارد:

حالت اول: این کار را در حین شعله‌وربودن آتش جنگ انجام دهند و میل به قتل داشته باشند که در این صورت، قتل با آنان ممنوع نیست و به دو دلیل در انجام هر کاری که منجر به کشته‌شدن آنان شود، هیچ حرجی وجود ندارد: دلیل اول: ترک قتل با آنان به ترک جهاد منجر می‌شود.

دلیل دوم: از آنجا که آنان مایل به قتل هستند، پس مسلمانان نیز نباید از آنان روی بگردانند.

حالت دوم: تترس به کودکان را در حالی که آتش جنگ شعله‌ور نیست و مسلمانان را ترک کرده‌اند، انجام دهند و از آنجا که مسلمانان به آنان حمله کرده و آنان را محاصره کرده‌اند، از ترس به انجام این کار روی آورده‌اند تا مانع تیراندازی مسلمانان شوند، در این صورت دو حالت متصور است:

حالت اول: این کار، مکاری از جانب آنان است که در این صورت موجب ترک آنان و امتناع از رمیشان نمی‌گردد حتی اگر منجر به کشته‌شدن کودکان شود.

حالت دوم: اینکه این کار را به عنوان نوعی واکنش و دفع خطر از خود بروز می‌دهند که در این صورت، دو قول وجود دارد:

قول اول: رمی آنان ممنوع نیست، به دلیل وجوب جهاد.

قول دوم: رمی آنان ممنوع است، به خلاف کسانی که مقاتله می‌کنند؛ چون جهاد با آنان مندوب است و جهاد با مقاتلین، واجب؛ و زمانی که میان ندب و خطر، مقابله رخ دهد، حکم خطر غلبه می‌کند (ماوردی، الحاوی الکبیر، ۱۴۱۹ق: ۱۸۷/۱۴).

- اگر مشرکان کودکان خویش را به عنوان سپر انسانی قرار دهند، در مورد واکنش مسلمانان نسبت به این امر، دو قول وجود دارد:



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی و استخراج حکم فقهی اسلام در خصوص نوع رفتار با سپرهای انسانی در جنگ یا غیر آن انجام گرفت. با جستجوی فتاوی فقه‌های مذاهب خمس اسلام و ذکر دلایل هر یک از فقها، در نهایت این نتیجه به دست آمد که مجاهدین اسلام تا می‌توانند باید از ریخته‌شدن خون سپرهای انسانی دشمن (اسرای مسلمان، زنان و کودکان) خودداری کنند، ولی چنانچه در صورت اجتناب از این کار، اصل اسلام و جان‌های محترم و بشمار دیگر به خطر بیفتد، کشته‌شدن این سپرهای انسانی معصیت و حرام نیست، البته اکثر فقها تأکید داشتند که در این صورت نیز باید توجه داشت که هر گونه حمله و تیراندازی به سوی دشمن، باید با قصد دشمنان انجام گیرد و هدف تیراندازان نباید سپرهای انسانی باشد.

واضح است که این بررسی فقهی و رسیدن به حکم نهایی، به ویژه برای دستگاه نظامی و دفاعی کشور بسیار مفید و راهگشا خواهد بود و هر گونه ابهام و یا اشتباهی را که در ذهن مجاهدین اسلام در هنگام مواجهه با این رخداد نظامی وجود داشت را رفع و اصلاح می‌کند.

در پایان، پیشنهاد می‌گردد که پژوهشگران محترم در صورت تمایل به انجام پژوهش در این راستا، موضوعاتی مانند «حکم فقهی استفاده از سپر انسانی در جنگ»، «شیوه‌های مختلف استفاده از سپر انسانی در جنگ و احکام فقهی آن» و ... را مورد توجه قرار دهند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

اگر کفار، در حال جنگ، کودکان و زنان را به عنوان سپر خویش قرار دهند و همچنین اگر این کار را در غیر جنگ و به عنوان مکر و حيله‌ای در برابر مسلمانان انجام داده تا در وقتی مناسب دست به حمله بزنند، تیراندازی به سوی آنان و به قصد کفار و مشرکین جایز است؛ ولی اگر در غیر جنگ و برای در امان بودن از دست مسلمانان این کار را بکنند، تیراندازی به سوی آنان جایز نیست که برخی این عدم جواز را بر کراهت و برخی دیگر بر حرمت حمل می‌کنند.

دیدگاه مذهب حنبلیه

- اگر کفار زنان و کودکان را در جلوی سپاه خویش قرار دهند، در این صورت رمی آنان به قصد مقاتله جایز است. [کلوذانی، الهدایة، همان؛ بعلی، کشف المخدرات، همان؛ ابن النجار، همان؛ خلوتی، همان؛ ابن تیمیه، المحرر، ۱۴۰۴ق: ۱۷۱/۲؛ مقدسی، الشرح الکبیر، همان؛ مقدسی، الکافی، ج ۴، باب ما یلزم الإمام و ما یجوز له، ص ۱۲۶؛ ابن مفلح، ج ۳، همان؛ مقدسی، الکافی، ۱۴۱۴ق: ۳۱۰/۸؛ بهوتی، همان].

ادله برخی بر صدور این حکم عبارتند از:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرکین را با منجنیق مورد رمی قرار دادند، در حالی که میانشان زنان و کودکان وجود داشتند.
۲. اگر مسلمانان از تیراندازی به سوی دشمنان خودداری کنند، این امر باعث تعطیل شدن امر جهاد می‌شود؛ چون اگر دشمنان به این امر پی ببرند، در هنگام خوف دست به چنین کاری می‌زنند، چه آتش جنگ شعله‌ور باشد و چه نباشد؛ چون پیامبر صلی الله علیه و آله رمی کافران را در غیر شعله‌ور بودن آتش جنگ انجام دادند (مقدسی، الشرح الکبیر، همان؛ مقدسی، الکافی؛ ابن مفلح، همان؛ مقدسی، المغنی، همان؛ رحیبانی، مطالب أولی النهی، همان/۵۱۸).

- اگر کفار، زنان و کودکان را به عنوان سپر انسانی قرار دهند، به دلیل مصلحت و درء مفسده بر مسلمانان جایز است که آنان را مورد رمی قرار دهند، اگر چه تیر آنان به زنان و کودکان اصابت کند (حمید، همان/۲۵).

همان طور که مشاهده می‌شود، ظاهر کلام فقه‌های حنبلیه، به ویژه با دقت به دلیل دوم (مصلحت و درء مفسده) این است که در حال ضرورت، تیراندازی به سوی سپرهای انسانی اشکالی ندارد.



- ۷- منابع
- [۱] قرآن کریم.
- منابع فقه امامیه
- [۲] اردبیلی، احمد (بی تا)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، تصحیح و تعلیق: مجتبی العراقی، علی پناه الإشتهاردی و حسین الیزدی الاصفهانی، قم، بی تا.
- [۳] حسینی، السيد محمد صادق (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق (ع)، مدرسة الامام الصادق عليه السلام، چاپ سوم.
- [۴] حلی، جمال الدین ابی العباس احمد بن محمد بن فهد (بی تا)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، تحقیق: مجتبی العراقی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- [۵] حلی، جعفر بن الحسن الهذلی (۱۴۰۹ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، تعلیق: السيد صادق الشیرازی، تهران، انتشارات استقلال، چاپ دوم، طبع بموافقة مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، ۴جلد.
- [۶] _____ (۱۴۱۰ق)، المختصر النافع فی فقه الامامية، قم، الدراسات الاسلامیة، تهران.
- [۷] حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الاسدی (بی تا)، ارشاد الاذهان إلى أحكام الایمان، بی جا، بی تا.
- [۸] _____ (۱۴۲۰ق)، تحرير الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیة، اشرف: جعفر السبحانی، تحقیق: ابراهیم الهادری، چاپ اول، قم، اعتماد، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
- [۹] _____ (۱۳۷۲ش)، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلد.
- [۱۰] _____ (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- [۱۱] حلی، یحیی بن سعید الهذلی (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، قم، المطبعة العلمية، مؤسسة سيد الشهداء، اشرف: الاستاذ الشيخ جعفر السبحانی.
- [۱۲] _____ (۱۳۹۴ق)، نزہة الناظر فی الجمع بین الأشباه والنظائر، یک جلد، قم، انتشارات رضی.
- [۱۳] خراسانی، وحید (بی تا)، منهاج الصالحین، فتاوی ابوالقاسم الموسوی الخوئی، بی جا.
- [۱۴] طباطبائی، السيد علی (۱۴۱۲ق)، ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ اول، ۱۱جلد.
- [۱۵] طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۸۷ق)، المبسوط، تصحیح: السيد محمد تقی الکاشفی، تهران، المطبعة الحیدریة.
- [۱۶] الطوسی، ابن حمزة (بی تا)، الوسيلة الى نيل الفضيلة، بی جا.
- [۱۷] عاملی، زین الدین بن علی الجبعی (الشهيد الثاني) (بی تا)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بیروت، دار العالم الإسلامي، ۳جلد.
- [۱۸] _____ (۱۴۱۳ق)، مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع اسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة، چاپ اول.
- [۱۹] عاملی، محمد بن جمال الدین (بی تا)، اللمعة الدمشقیة، بی جا.
- [۲۰] فاضل الآبی، زین الدین ابی علی الحسن بن ابی طالب ابن ابی المجد الیوسفی (بی تا)، كشف الرموز فی شرح المختصر النافع، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- [۲۱] کرکی، علی بن الحسن (۱۴۰۸ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۳جلد.
- [۲۲] نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲ق)، جواهر الکلام "فی شرح شرائع الاسلام"، تحقیق و تعلیق: عباس القوجانی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، تصحیح: محمد الاخواندی، ۴۳ج.
- منابع فقه حنفیه
- [۲۳] ابن نجیم، زین العابدین بن ابراهیم (۱۴۰۰ق)، الأشباه والنظائر علی مذهب ابی حنیفة النعمان، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- [۲۴] _____ (بی تا)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، بیروت، دار المعرفة.
- [۲۵] ابن نجیم، سراج الدین عمر بن ابراهیم الحنفی (۱۴۲۲ق)، النهر الفائق شرح كنز الدقائق، محقق: أحمد عزو عنایة، چاپ اول، دار الکتب العلمیة، ۳جلد.
- [۲۶] بایرتی، محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدین أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدین ابن الشيخ جمال الدین الرومی (بی تا)، العنایة شرح الهدایة، دار الفکر، ۱۰جلد.
- [۲۷] حداد، أبو بكر بن علی بن محمد الحدادی العبادی الزبیدی البیضی الحنفی (۱۳۲۲ق)، الجوهرة النيرة علی مختصر القدوری، المطبعة الخیریه، چاپ اول، ۲جلد.
- [۲۸] زبلی، عثمان بن علی بن محجن البارعی، فخر الدین الحنفی (۱۳۱۳ق)، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشیة الشلبي، حاشیه: شهاب الدین أحمد بن محمد بن أحمد بن یونس بن إسماعیل بن یونس الشلبي (المتوفی: ۱۰۲۱ هـ)، قاهره، المطبعة الكبرى الأمیریة - بولاق، چاپ اول.
- [۲۹] سرخسی، محمد بن أحمد بن ابی سهل شمس الأئمة السرخسی (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت، دار المعرفة، ۳۰جلد.
- [۳۰] سمرقندی، علاء الدین (۱۴۱۴ق)، تحفة الفقهاء، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم.
- [۳۱] شبیبانی، أبو عبد الله محمد بن الحسن بن فرقد (۱۴۱۳ق)، الأصل، تحقیق: الدكتور محمد بونوكالان، لبنان، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۲جلد.
- [۳۲] _____ (۱۹۷۵م)، السير، محقق: مجید خدوری، بیروت، الدار المتحدة للنشر، چاپ اول.
- [۳۳] عینی، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد بن حسین الغیتابی الحنفی بدر الدین العینی (۱۴۲۸ق)، منحة السلوك فی شرح تحفة الملوك، محقق: أحمد عبد الرزاق الكبیسی، قطر، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامیة، چاپ اول.
- [۳۴] غزنوی، عمر بن إسحق بن أحمد الهندی سراج الدین أبو حفص الحنفی (۱۴۰۶ق)، الثرة المنیفة فی تحقیق بعض مسائل الإمام ابی حنیفة، مؤسسة الكتب الثقافیة، چاپ اول.
- [۳۵] قُدوری، أحمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن حمدان أبو الحسن (۱۴۱۸ق)، مختصر القدوری فی الفقه الحنفی، محقق: كامل محمد محمد عویضة، دار الکتب العلمیة.
- [۳۶] کاسانی، علاء الدین، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الحنفی (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۷جلد.
- [۳۷] مرغینانی، علی بن ابی بكر بن عبد الجلیل الفرغانی أبو الحسن برهان الدین (بی تا)، الهدایة فی شرح بداية المبتدی، محقق: طلال یوسف، لبنان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۴جلد.
- [۳۸] _____ (بی تا)، متن بداية المبتدی فی فقه الإمام ابی حنیفة، قاهره، مكتبة ومطبعة محمد علی صبح، بی تا.
- [۳۹] مَنبجی، ابی محمد علی بن زکریا (۱۴۱۴ق)، اللباب فی الجمع بین السنة والكتاب، تحقیق: الدكتور محمد فضل عبد العزيز المراد، دمشق، دار القلم، چاپ دوم.
- [۴۰] موصلی الحنفی، عبدالله بن محمود بن مودود، الإختیار لتعلیل المختار (۱۴۲۶ق)، تحقیق: عبداللطیف محمد عبدالرحمن، ۵جلد، لبنان، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ سوم.
- [۴۱] میدانی، عبد الغنی بن طالب بن حمادة بن ابراهیم الغنیمی الدمشقی الحنفی (بی تا)، اللباب فی شرح الكتاب، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، لبنان، بیروت، المكتبة العلمیة، ۴جلد.
- منابع فقه مالکیه
- [۴۲] ابن جزی الکلبی، أبو القاسم محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله الغرناطی (بی تا)، القوانین الفقھیة، بی جا.



- [٢٣] ابن شاس، أبو محمد جلال الدين عبد الله بن نجم بن شاس بن نزار الجزامي السعدي المالكي (١٤٢٣ق)، عقد الجواهر الثمينة في مذهب عالم المدينة، تحقيق: أ. د. حميد بن محمد لحر، لبنان، بيروت، دار الغرب الإسلامي، چاپ اول، ٣جلد.
- [٢٤] ابن غازي المكتاسي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن محمد بن محمد بن علي بن غازي الثماني (١٤٣٩ق)، شفاء الغليل في حل مقل خليل، تحقيق: الدكتور أحمد بن عبد الكريم نجيب، قاهره، مركز نجيبويه للمخطوطات وخدمة التراث، چاپ اول، ٢جلد.
- [٢٥] خطاب الرعي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن الطرابلسي المغربي (١٤٢٣ق)، مواهب الجليل لشرح مختصر الخليل، تحقيق: زكريا عميرات، دار عالم الكتب، ٨جلد.
- [٢٦] خرشي، محمد بن عبد الله المالكي أبو عبد الله (بی تا)، شرح مختصر خليل للخرشي، بيروت، دار الفكر، ٨جلد.
- [٢٧] دسوقي، محمد بن أحمد بن عرفة المالكي (بی تا)، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، دار الفكر، ٤جلد.
- [٢٨] كميري، بهرام بن عبد الله بن عبد العزيز بن عمر بن عوض، أبو البقاء، تاج الدين السلمي الدمشقي المالكي (١٤٢٩ق)، الشامل في فقه الإمام مالك، تصحيح: أحمد بن عبد الكريم نجيب، مركز نجيبويه للمخطوطات وخدمة التراث، چاپ اول، ٢جلد.
- [٢٩] زرقاني، عبد الباقي بن يوسف بن أحمد المصري (١٤٢٢ق)، شرح الزرقاني على مختصر خليل، تصحيح: عبد السلام محمد أمين، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ٨جلد.
- [٥٠] شفيطي، محمد يحيى بن عمر المختار بن الطالب (٢٠٠٥م)، إيصال السالك في أصول الإمام مالك، نقل و ترتيب: الشاطبي الوهراني، بی جا.
- [٥١] صاوي، أحمد بن محمد (١٤١٥ق)، بلغة السالك لأقرب المسالك، تحقيق: محمد عبد السلام شاهين، لبنان، بيروت، ٤جلد.
- [٥٢] عيش، محمد بن أحمد بن محمد أبو عبد الله المالكي (١٤٠٩ق)، منج الجليل شرح مختصر خليل، بيروت، دار الفكر، ٩جلد.
- [٥٣] قرافي، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن المالكي الشهير بالقرافي (بی تا)، الذخيرة، تحقيق: جزء ١، ٨، ١٣: محمد حجي، جزء ٢، ٦: سعيد أعراب، جزء ٣ - ٥، ٧، ٩، ١٢: محمد بو خيرة، بيروت، دار الغرب الإسلامي، ١٤جلد.
- [٥٤] كشناوي، أبو بكر بن حسن بن عبد الله (بی تا)، أسهل المدارك «شرح إرشاد السالك في مذهب إمام الأئمة مالك»، لبنان، بيروت، دار الفكر، چاپ دوم، ٣جلد.
- [٥٥] مالكي، خليل بن إسحاق الجندی (١٤٢٦ق)، مختصر خليل، محقق: أحمد جاد قاهره، دار الحديث، چاپ اول.
- [٥٦] موقاي، محمد بن يوسف بن أبي القاسم أبو عبد الله (١٣٩٨ق)، التاج والإكليل لمختصر خليل، بيروت، دار الفكر، ٦جلد.
- منابع فقه شافعية
- [٥٧] أنصاري، زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا (١٤١٨ق)، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضوي، چاپ اول.
- [٥٨] ابن الخامل، أحمد بن محمد بن أحمد بن القاسم الضبي، أبو الحسن الشافعي (١٤١٦ق)، الباب في الفقه الشافعي، تحقيق: عبد الكريم بن صنيان العمري، المملكة العربية السعودية، المدينة المنورة، دار البخاري، چاپ اول.
- [٥٩] بختري، سليمان بن محمد بن عمر البختري المصري الشافعي (١٣٦٩ق)، التجريد لنفع العبيد = حاشية البختري على شرح المنهج (منهج الطلاب اختصره زكريا الأنصاري من منهاج الطالبين للنووي ثم شرحه في شرح منهج الطلاب)، مطبعة الحلبي، ٤جلد.
- [٦٠] جمل، سليمان بن عمر بن منصور الأزهرى (بی تا)، حاشية الجمل فتوحات الوهاب بتوضيح شرح منهج الطلاب (منهج الطلاب اختصره زكريا الأنصاري من منهاج الطالبين للنووي ثم شرحه في شرح منهج الطلاب)، دار الفكر، ٥جلد.
- [٦١] رافعي، عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم، أبو القاسم الرافعي القزويني (١٤١٧ق)، العزيز شرح الوجيز المعروف بالشرح الكبير، تحقيق: علي محمد عوض - عادل أحمد عبد الموجود، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٣جلد.
- [٦٢] رملي، شمس الدين محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة شهاب الدين (١٤٠٤ق)، نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، حاشية: أبي الضياء نور الدين بن علي الشيرازي الأظهري - أحمد بن عبد الرزاق المعروف بالمغربي الرشيدى، بيروت، دار الفكر، ط أخيرة، ٨جلد.
- [٦٣] زهرى الغمراوي، محمد (بی تا)، السراج الوهاج على متن المنهاج، بيروت، دار المعرفة.
- [٦٤] سنيكي، زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا الأنصاري زين الدين أبو يحيى (بی تا)، أسنى المطالب في شرح روض الطالب، دار الكتب الإسلامية، ٤جلد.
- [٦٥] — (بی تا)، الفرر الههيه في شرح الههجه الوردية، المطبعة الميمنية، حاشية: الإمام أحمد بن قاسم العبادي - العلامة الشربيني.
- [٦٦] شافعي، أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبى القرشي المكي (١٤٠٠ق)، الأم، بيروت، دار الفكر، چاپ اول.
- [٦٧] — (بی تا)، الأم، بيروت، دار المعرفة، (١٥٠ - ٢٠٤هـ - ٧٦٧ - ٨٢٠م)، ٨جلد.
- [٦٨] شربيني، شمس الدين محمد بن أحمد الخطيب الشافعي (١٤١٥ق)، معنى المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ٦جلد.
- [٦٩] شرواني، عبد الحميد المكي و العبادي، أحمد بن قاسم (بی تا)، حواشي الشرواني والعبادي، [الكتاب حاشية على تحفة المحتاج بشرح المنهاج لابن حجر الهيتمي (المتوفى : ٩٧٤ هـ) الذى شرح فيه المنهاج للنووي (المتوفى : ٦٧٦ هـ)]، بی جا.
- [٧٠] شيرازي، أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف (بی تا)، التنبيه في الفقه الشافعي، عالم الكتب، بی تا.
- [٧١] — (بی تا)، المهذب في فقه الإمام الشافعي، دار الكتب العلمية، ٣جلد.
- [٧٢] عمرانى، أبو الحسن يحيى بن أبي الخير بن سالم العمراني اليمني الشافعي (١٤٢١ق)، البيان في مذهب الإمام الشافعي، تحقيق: قاسم محمد النورى، جدة، دار المنهاج، چاپ اول، ١٣جلد.
- [٧٣] غزالي الطوسي، أبو حامد محمد بن محمد (١٤١٧ق)، الوسيط في المذهب، تحقيق: أحمد محمود إبراهيم - محمد محمد تامر، قاهره، دار السلام، چاپ اول، ٧جلد.
- [٧٤] قليوبى أحمد سلامة و عميرة أحمد البرلسى (١٤١٥ق)، حاشيتا قليوبى وعميرة على شرح المنهاج، بيروت، دار الفكر.
- [٧٥] ماوردى، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصرى البغدادي (١٤١٩ق)، الحاوى الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي وهو شرح مختصر المزنى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٩جلد.
- [٧٦] منهجى، شمس الدين محمد بن أحمد المنهاجى الأسيوطى (١٤١٧ق)، جواهر العقود و معين القضاة و الموقعين و الشهود، تحقيق: مسعد عبد الحميد محمد السعدنى، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
- [٧٧] نووى، أبو زكريا محيى الدين يحيى بن شرف (١٤١٢ق)، روضة الطالبين وعمدة المفتين، تحقيق: زهير الشاويش، بيروت - دمشق - عمان، المكتب الإسلامي، چاپ سوم، ١٢جلد.
- [٧٨] — (بی تا)، المجموع شرح المهذب، هو شرح النووى لكتاب المهذب للشيرازى (المتوفى : ٤٧٦ هـ)، دار الفكر، بی تا، ٢٠جلد.
- [٧٩] — (١٤٢٥ق)، منهاج الطالبين وعمدة المفتين في الفقه، تحقيق: عوض قاسم أحمد عوض، دار الفكر، چاپ اول.
- [٨٠] هينمى، أحمد بن محمد بن علي بن حجر (١٣٥٧ق)، تحفة المحتاج في شرح المنهاج، مراجعه و تصحيح: علي عدة نسخ بمعرفة لجنة من العلماء،



- حاشیه: عبد الحمید الشروانی - أحمد بن قاسم العبادیه، لکنتیه التجاریه
الکبری بمصر لصاحبها مصطفی محمد، ۱۰جلد.
- منابع فقه حنبلیه
- [۸۱] ابن التجار، تقی الدین محمد بن أحمد الفتوحی الحنبلی (۱۴۱۹ق)،
منتهی الإرادات، تحقیق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسۀ الرسالۀ،
چاپ اول، ۵جلد.
- [۸۲] ابن تیمیہ، عبد السلام بن عبد الله بن الخضر بن محمد الحرائی أبو
البرکات مجد الدین (۱۴۰۴ق)، المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن
حنبل، ریاض، مکتبۀ المعارف، چاپ دوم، ۲جلد.
- [۸۳] ابن مفلح، إبراهیم بن محمد بن عبد الله بن محمد أبو إسحاق برهان
الدین (۱۴۲۳ق)، المبدع شرح المقنع، الرياض، دار عالم الکتب.
- [۸۴] بعلی، عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد البعلی الخلوئی الحنبلی
(۱۴۲۳ق)، کشف المخدرات والریاض المزهرات لشرح أخصر المختصرات،
تحقیق: محمد بن ناصر العجمی، لبنان، بیروت، دار البشائر الإسلامیة، چاپ
اول، ۲جلد.
- [۸۵] بهوتی، منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن إدريس الحنبلی
(۱۴۱۴ق)، دقائق أولى النهی لشرح المنتهی المعروف بشرح منتهی الإرادات،
عالم الکتب، چاپ اول، ۳جلد.
- [۸۶] تمیمی، محمد بن عبد الوهاب بن سلیمان (بی تا)، مختصر الإنصاف
والشرح الکبیر، تحقیق: عبد العزیز بن زید الرومی و غیره، بی جا.
- [۸۷] الحمد، حمد بن عبدالله (بی تا)، شرح زاد المستقنع، بی جا.
- [۸۸] خلوتی، محمد بن أحمد بن علی البهوتی (۱۴۳۲ق)، حاشیة الخلوئی
علی منتهی الإرادات، تحقیق: الدكتور سامی بن محمد بن عبد الله الصقیر
والدكتور محمد بن عبد الله بن صالح اللحیدان، سوریا، دار النوادر، چاپ اول،
۷جلد.
- [۸۹] سلمان، أبو محمد عبد العزیز بن محمد بن عبد الرحمن بن عبد المحسن
(بی تا)، الأسئلة والأجوبة الفقهیة، عجلد، بی جا.
- [۹۰] رحبیانی، مصطفی بن سعد بن عبده السیوطی شهرة مولدا دمشقی
الحنبلی (۱۴۱۵ق)، مطالب أولى النهی فی شرح غایة المنتهی، المکتب
الإسلامی، چاپ دوم، عجلد.
- [۹۱] کلؤذانی، محفوظ بن أحمد بن الحسن، أبو الخطاب (۱۴۲۵ق)، الهدایة
علی مذهب الإمام أبی عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشیبانی، تحقیق:
عبد اللطیف همیم - ماهر یاسین الفجل، مؤسسۀ غراس، چاپ اول.
- [۹۲] مرداوی، علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان دمشقی الصالحی،
(۱۴۱۹ق)، الإنصاف فی معرفة الراجع من الخلاف علی مذهب الإمام أحمد
بن حنبل، لبنان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- [۹۳] مقدسی، عبد الرحمن بن محمد بن أحمد بن قدامة المقدسی الجماعلی
الحنبلی أبو الفرج شمس الدین (بی تا)، الشرح الکبیر علی متن المقنع، دار
الکتب العربی، أشرف علی طباعته: محمد رشید رضا صاحب المنار.
- [۹۴] مقدسی، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة
الجماعلی المقدسی ثم دمشقی الحنبلی (۱۴۱۴ق)، الکافی فی فقه الإمام
أحمد، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۴جلد.
- [۹۵] _____ (۱۳۸۸ق)، المغنی لابن قدامة، مکتبۀ القاهرة، ۱۰جلد.



Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
forth Year, Issue 13
, Pages 107-120

Jurisprudence on how to deal with the human shield of enemies in war from the perspective of Islamic religions

Dr. Meysam Javadnia Assistant Professor of Jurisprudence and Foundations of Law,
Virtual University, Al -Mustafa Society, Qom, Iran

Abstract

In wars, each side resorts to different war methods to achieve victory, one of which is the use of human shields, which can be Muslim prisoners or children and women. The question raised here is that if the enemies use this method, how should Muslims react to this action? The opinion of most jurists of Khamsa schools is that the lives of human shields should be preserved as much as possible, otherwise, in case of necessity, any attack and shooting towards the enemy should be aimed at those who are lurking behind human shields. Not with the intention of hostages.

Key words: jurisprudence, human shield, war, religions

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: mjedalat7@gmail.com